

طراحی مدل جامع نگر در مطالعه پدیده افتراق شهری^۱

محمد سعید ایزدی^۲ - دکترای مرمت شهری، عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران.
محمد مسعود - دکترای شهرسازی، عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
امیر محمد معززی مهرطهران - پژوهشگر دکترای مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۵

چکیده

جدایی اجتماعی-فضایی در شهرها (یا افتراق شهری)، پدیده‌ای چند بُعدی است که در فضا و زمان حادث می‌شود. این پدیده تنها به واسطه فضاهای تکه‌تکه شده یا تمایزات و اختلافات اجتماعی-اقتصادی مشخص نمی‌شود بلکه در بیشتر مواقع مرزهای تقسیم از برهم کنش جمیع موارد و تمایزات شکل می‌گیرند؛ اما تاکنون نگرش به این پدیده و مواجهه با آن به صورت جامع صورت نگرفته است. افتراق شهری به طور ابتدایی مسئله اجتماعی شناخته شده‌ای است اما به فضا به عنوان عاملی مؤثر در شکل‌گیری و گسترش آن توجه چندانی نشده است. به همین دلیل نیز برای رفع این پدیده، نام و نشانی از شیوه‌های تحلیلی توأمان فضایی و اجتماعی-اقتصادی دیده نمی‌شود. در مقاله حاضر با استفاده از شیوه خط سیر «توسعه نظریه» که مبتنی بر مرور ادبیات موضوع به منظور توسعه و تکامل نظریه‌های موجود است، مفهوم افتراق شهری، به گونه‌ای که شرح دهنده دقیق و همه‌جانبه‌ای از واقعیت بوده و از قابلیت بالای پیش‌بینی در اجرا برخوردار باشد، بسط داده شده است. در فرایند بسط مفهومی، این پدیده به دلیل حمل معانی فضایی نهفته، پدیده‌ای فضایی و اجتماعی-اقتصادی معرفی شده و با توجه به سهم هریک از ابعاد در ظهور افتراق شهری، مدل بررسی و مطالعه جامع نگر، مستعمل بر چهار بخش (محدوده‌های دارای ویژگی افتراق فضایی، محدوده‌های دارای ویژگی جداافتادگی (افتراق کامل)، محدوده‌های دارای افتراق اجتماعی-اقتصادی و محدوده‌های فاقد جدایی اجتماعی-فضایی (یا محدوده‌های یکپارچه)) طراحی و پیشنهاد شده است. به منظور آزمون مدل، محلات شهر اصفهان انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. سنجش وضعیت هر یک از ۱۸۸ محله شهر و جایگاه آنها در مدل، حکایت از انطباق بالای نتایج با واقعیت و کارایی مدل در توصیف شرایط و جایگاه عرصه‌های شهری دارد. قرارگیری محلات محرومی مانند علیقلی‌آقا، زینبه، وحید، همت‌آباد، مارچین، جویبار، کوجان، بابوکان، شهشهان، اطشاران و قائمیه در محدوده افتراق کامل (جداافتادگی) و همچنین واقع شدن محلاتی مانند ملک، محدوده دانشگاه اصفهان، باغ‌نگار (آئینه‌خانه)، آبشار، سعادت‌آباد، هزار جریب، برازنده و شیخ اشراق (که از شرایط مطلوبی در هر دو بعد برخوردارند) در بخش فاقد افتراق مدل، گویای این واقعیت است. بر این اساس مدل جامع نگر پیشنهادی به واسطه ارائه تصویری واقعی از وضعیت افتراق محلات شهری می‌تواند به عنوان ابزاری در تصمیم‌سازی‌ها به کار رفته و با توجه به موقعیت قرارگیری محلات در هریک از بخش‌های مدل، پایه‌ای برای تعریف اولویت‌ها و نوع اقدامات در برقراری توازن و برابری شهر به شمار آید.

واژگان کلیدی: افتراق شهری، مدل جامع نگر، اجتماعات محصور، نواحی محروم، جداافتادگی.

۷۹

شماره بیستم

پاییز ۱۳۹۵

فصلنامه

علمی-پژوهشی

مطالعات
شهری

طراحی مدل جامع نگر در مطالعه پدیده افتراق شهری

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکترای نویسنده سوم با عنوان «افتراق شهری؛ خوانش الگوی جدایی اجتماعی-فضایی در شهرها (نمونه مورد مطالعه: محلات شهر اصفهان)» است که به راهنمایی آقایان دکتر محمد مسعود و دکتر محمد سعید ایزدی در دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام می‌باشد.

۲ نویسنده مسئول مقاله: saeidizadi@gmail.com

۱. مقدمه

شهرها به طور دائمی در حال تغییرند و در جست‌وجوی سازمان فضایی بهتر، درجه‌های مختلفی از تمایزات سکونت را تولید می‌کنند. این تمایزات، در بسیاری از شهرهای کشورهای در حال توسعه (به ویژه در عصر حاضر) به نحوی آشکار است که اغنیا در محلات با خدمات و امکانات خوب، اجتماعات محصور و سکونتگاه‌های رسمی خوش‌ساخت زندگی می‌کنند و از پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی منتفع می‌شوند، در حالی که فقرا به محدوده‌های مرکزی شهرها یا سکونتگاه‌های غیررسمی و نواحی محروم شهری محدود شده‌اند و در تأمین نیازهای اولیه‌شان در مضیقه‌اند.

در بسیاری از این شهرها «تقسیم شهری»^۱ میان داراها و ندارها، شکافی^۲ ایجاد می‌کند که به مثابه نمودی از نابرابری^۳ و نشانی از اختلال سیستمی^۴ (UNCHS, 2003)، تنها به واسطه فضاهای تکه‌تکه شده یا تمایزات و اختلافات اجتماعی-اقتصادی مشخص نمی‌شود بلکه در بیشتر مواقع مرزهای تقسیم از برهم‌کنش جمیع موارد و تمایزات شکل می‌گیرند. به عبارتی دیگر تقسیم شهری نتیجه‌ای از محرومیت‌های فضایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد که هر یک از این ابعاد، پیامدهای متعددی را برای پویایی شهری به دنبال دارد و بر نابرابری‌های شهری اثرگذار است. این شرایط به عنوان یک مشکل شهری، از دهه ۱۹۲۰ میلادی تاکنون (در مدرسه شیکاگو) با عنوان «افتراق شهری»^۵ مورد توجه بوده است؛ امروزه نیز در بیشتر شهرها موضوع درخور توجهی است.

نکته حائز اهمیت این است که نگرش به این پدیده و مواجهه با آن تاکنون به صورتی جامع و با توجه توأمان به ابعاد فضایی و اجتماعی-اقتصادی انجام نشده است؛ به طوری که این

1 Gated Communities

2 Urban Divide

۳ این شکاف در شهرها در بعضی مواقع به وسیله مرزهای نامرئی (Invisible Borders) و به واسطه موقعیت اجتماعی-اقتصادی جمعیت شهری مشخص می‌شود؛ در برخی مواقع نیز مرزهایی کاملاً مرئی به تعریف این شکاف می‌پردازند و تمایزات را در هیئت کالبدی نمایان می‌سازند. در موقعیتی که شکاف در هیئت کالبدی ظاهر می‌شود، شکلی از محرومیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به خود می‌گیرد و ویژگی‌ها و عوامل بالقوه و واقعی گروه‌های حاشیه‌ای (Marginalization Groups) - که می‌توانند فرایند پایداری و توسعه همه‌شمول را به تأخیر بیندازند- را به نمایش می‌گذارد.

4 Inequalities

5 Systemic Dysfunction

۶ (Urban Segregation): واژگانی مانند جدافتادگی و جدایی‌گزینی در متون فارسی - با غلبه بیشتر واژه جدایی‌گزینی - به عنوان برگردان فارسی برای این واژه مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ اما مقاله حاضر معتقد است دو واژه جدافتادگی و جدایی‌گزینی برداشت‌های متفاوتی را در ذهن متبادر می‌کنند و هر یک بر بعدی از ابعاد مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش این پدیده تأکید بیشتر دارند. در نتیجه این نوشتار ضمن تمایز قائل شدن میان این دو واژه و با توجه به سیر تکاملی مفهوم پدیده، در برگردان فارسی از واژه «افتراق شهری» استفاده کرده و تعبیر خود را از واژه‌های مصطلح در انتهای مقاله ارائه می‌کند.

پدیده در ابتدا به عنوان مسئله‌ای اجتماعی شناخته می‌شده (Legeby, 2013) و در بررسی‌های اولیه، تمایزات میان دو گروه جمعیتی (نابرابری در توزیع) مورد توجه بوده است^۷ (Feitosa et al., 2007). پس از آن نیز هدف مطالعات مختلف، به شناسایی جدایی میان چندین گروه، شامل مطالعه جدایی میان طبقات اجتماعی و نحوه توزیع آنها در فضا محدود شده است (Morgan, 1975; Sakoda, 1981; Jargowsky, 1996; Reardon and Firebaugh, 2002).

در واقع کلیه مطالعات انجام شده در رابطه با پدیده افتراق شهری، گرچه بر فضایی بودن آن تأکید داشته‌اند، اما کماکان توزیع فضایی شرایط اجتماعی گروه‌های مختلف ساکن مدنظر این مطالعات بوده و کمتر فضا به عنوان یک عامل مؤثر در کنار عوامل اجتماعی-اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. به عبارتی دیگر، در مطالعات پیشین ویژگی‌های فضایی عرصه‌های مختلف شهری از منظر نحوه ارتباطات فضایی آنها با پیرامون و کل شهر، به عنوان بُعدی مؤثر بر شکل‌گیری پدیده افتراق شهری و همچنین پیامدی عینی از این پدیده، ملاک تحلیل قرار نگرفته است.

به همین دلیل در اقدامات و ابتکارات برای رفع پدیده افتراق شهری، نام و نشانی از شیوه‌های تحلیلی برگرفته از منظر فضایی و طراحی شهری دیده نمی‌شود؛ در حالی که تفسیر ساده‌ای از این پدیده می‌تواند تنها به واسطه عوامل اجتماعی و اقتصادی بدون توجه به فضا انجام گیرد. به همین خاطر می‌بایست «فرم و پیکربندی فضایی» نیز به عنوان عاملی مؤثر در شکل‌دهی الگوهای یکپارچگی و جدایی در شهرها، علاوه بر شرایط اجتماعی-اقتصادی مورد نظر قرار گیرد (Jakubs, 1981; Morgan, 1983; White, 1983; Morrill, 1991; Wong, 1993, 1998, 2005; Reardon and O'Sullivan, 2004; Charalambous, 2011).

بر این اساس مقاله حاضر با هدف طراحی مدلی برای بررسی و مطالعه پدیده افتراق شهری به طوری که جمیع ابعاد مؤثر را در برگیرد، ابتدا به تشریح مفهوم و ابعاد این پدیده می‌پردازد تا از این رهگذر ضمن توسعه مفهوم و تعریف آن، بر اهمیت توجه توأمان به ابعاد فضایی و اجتماعی-اقتصادی افتراق شهری در تحلیل، تأکید و منظری جدید در بررسی ترسیم کند. سپس با بررسی گونه‌های اجباری و اختیاری افتراق شهری به تبیین و طراحی مدل جامع‌نگر پرداخته می‌شود. در انتها نیز به منظور بررسی قابلیت و دقت توصیفی مدل در شرایط واقعی (آزمون مدل)، جایگاه محلات شهر اصفهان مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. روش‌شناسی

با توجه به هدف این پژوهش که جامعیت بخشیدن به مفهوم افتراق شهری و طراحی مدلی جامع‌نگر برای بررسی این پدیده می‌باشد و به دلیل این که در ادبیات موضوع و نظریه‌های موجود به گونه‌ای جامع به کلیه ابعاد موضوع پرداخته نشده است، خط

۷ برای این کار از شاخص عدم تشابه (dissimilarity Index D) (Duncan and Duncan ۱۹۵۵) و شاخص افشا/انزوا (exposure/isolation Index) (Bell ۱۹۵۴) استفاده می‌شود.

سیر «توسعه نظریه»^۱ به عنوان خط سیر اصلی این پژوهش مدنظر قرار گرفت. در این شیوه، با استفاده از نظریه‌ها و اقدامات موجود، یک نظریه، توسعه می‌یابد که می‌بایست شرح دهنده واقعیت و از نظر اجرایی از قابلیت پیش‌بینی بالایی برخوردار باشد. بر این اساس از منظر نظری مفهوم اصلی پژوهش- افتراق شهری- مورد مطالعه قرار گرفت. برای گردآوری مبانی نظری پژوهش از روش اسنادی استفاده شده است که نگارندگان پس از مطالعه و جست‌وجو در منابع مرتبط و شناسایی مدل‌ها و روش‌های موجود بررسی این پدیده، به توسعه مفهومی آن پرداختند و با طراحی مدلی جامع‌نگر، شیوه‌ای برای بررسی و مطالعه آن به صورت کاربردی پیشنهاد کردند. پس از آن، مدل در شرایط واقعی آزمون شده تا اعتبار و کارآمدی آن سنجیده شود. برای آزمون، محلات شهر اصفهان به عنوان نمونه انتخاب شد و پس از تحلیل شرایط اجتماعی-اقتصادی محلات با استفاده از روش تاپسیس^۲ (نقشه شماره ۱) و شرایط فضایی آنها با استفاده از تحلیل ارزش همپوندی محلات به کمک روش چیدمان فضا^۳ (نقشه‌های شماره ۲ و ۳)، از تلاقی نتایج به دست آمده در محیط نرم‌افزار جی‌آی‌اس^۴، مختصات هر محله در مدل تعیین شد (تصویر شماره ۳).

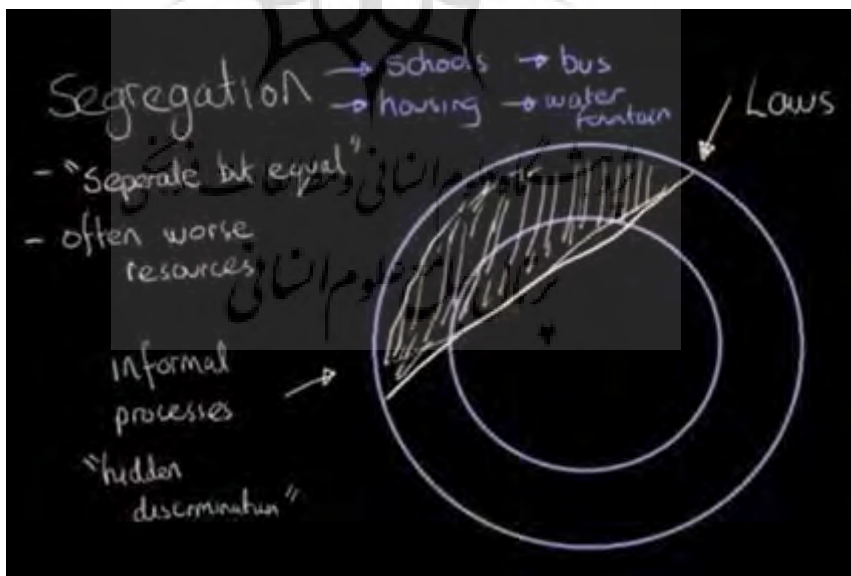
۳. مبانی نظری

۳.۱. تعریف افتراق شهری

افتراق در واژه‌نامه جغرافیای انسانی به معنی تقسیم دو یا چند گروه در یک شهر، منطقه یا کشور می‌باشد که بر پایه طبقه، درآمد، جنسیت، گرایش‌های جنسی، تحصیلات، زبان، قومیت، مذهب، سن، زادگاه و ناتوانی شکل می‌گیرد (Gregory et al, 2009). در

تعریفی عمومی، افتراق، جدا زندگی‌کردن گروه‌ها در جامعه به صورت اجتماعی و جغرافیایی معنی شده است. براساس این تعریف، افتراق صورتی کم و بیش نهادی شده از فاصله اجتماعی است که با جداسدن در فضا ابراز می‌شود و به نوبه خود شکل‌گیری طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این پدیده، به عنوان یکی از مسائل مهم شهری نشان‌دهنده نابرابری‌های فزاینده‌ای است (Ruiz-Rivera et al, 2016: 58) که تمایزات و شکاف‌هایی را در شهرها ایجاد می‌کند (Smets and Salman, 2016: 81).

حال اگر افتراق به جدایی کامل گروه‌ها و اقشار اجتماعی منجر گردد، تعاملات و تماس‌های درون گروهی شدت پیدا می‌کند ولی در مقابل ارتباطات خارجی آنها کاهش می‌یابد. این جدایی گرچه ممکن است به ارتباط و تعامل عمیق‌تر افراد یک ناحیه کمک کند ولی با تقسیم شهر به قطعاتی مجزا، موجب فواصل فیزیکی و خصوصاً اجتماعی و فرهنگی می‌شود که در سطحی وسیع‌تر، در زندگی جمعی اختلال ایجاد می‌کند و با افزایش نابرابری در فرصت‌های زندگی، مانع یکپارچگی مردم در جامعه می‌شود. بنابراین «جداسدن اجتماعی و فضایی را باید مبنای اصلی و کلی برای تعریف پدیده افتراق قرار داد». به بیانی دیگر، افتراق راهی برای جداکردن گروه‌های مردم است که به آنها، دسترسی به مجموعه جداگانه‌ای از منابع را در داخل همان اجتماع می‌دهد. این منابع ممکن است در لایه اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، کالبدی-فضایی، سیاسی و یا ترکیبی از آنها تعریف شوند و نمودهای مختلف افتراق را به همراه داشته باشند (Smets and Salman, 2016: 83).



تصویر شماره ۱: نمایش گرافیکی از پدیده افتراق در جوامع؛ هدف از این تصویر تأکید بر نمایان شدن پدیده افتراق، به شکل جدایی فضایی است. به عبارتی فاصله اجتماعی و فاصله فضایی در پدیده افتراق مشهود می‌باشد- منبع: www.khanacademy.org

- 1 Theory Development
- 2 Topsis
- 3 Space Syntax
- 4 GIS

۳.۲. ابعاد مؤثر در افتراق شهری

همان‌گونه که از بررسی مفهوم افتراق شهری بر می‌آید، ابعاد مختلفی در شکل‌گیری آن نقش دارند. اما این پدیده عمدتاً به عنوان مسئله‌ای اجتماعی شناخته شده است (Legeby, 2013)؛ به طوری که «اولسن هُرت»^۱ (۱۹۹۵) افتراق را شامل یک سطح مشخصی از سلسله مراتب اجتماعی میان بخش‌های مختلف جمعیت می‌داند (Charalambous, 2011) یا «فرانزن»^۲ (۲۰۰۱) با اشاره به وجه غیرعادلانه افتراق، این پدیده را یک تفاوت سلسله مراتبی حداقلی میان دو گروه می‌داند که بر یک موقعیت برتر و یا زیردست از بعد مادی یا معنوی دلالت می‌کند و زمینه‌ساز بروز مفاهیم خودی و بیگانه^۳، در برگیندگی و کنار گذاشتگی^۴ می‌شود (Franzen, 2001: 25). جانستون و همکاران (۲۰۱۴) نیز با تأکید بر عواملی چون قومیت، سن، طبقه اجتماعی و جنسیت به عنوان عوامل مؤثر بر افتراق در محله‌ها، مدارس و محل کار، بر جنبه اجتماعی آن تأکید دارند (Johnston et al, 2014: 13). همچنین پژوهشگرانی چون دانکن^۵ (۱۹۵۵) و ماستررد^۶ (۲۰۰۵) افتراق را پدیده‌ای تک بعدی و نماینده نابرابری اجتماعی-اقتصادی می‌دانند. این موارد نشان دهنده تأکید غالب بر عوامل اجتماعی - و در برخی موارد، نابرابری‌های اقتصادی در ادبیات موضوع است. اما همان‌گونه که اسمیت (۲۰۰۹) مطرح می‌کند، کاستی‌هایی در

این نوع مواجهه تک‌بعدی با پدیده افتراق وجود دارد (Smith, 2009: 682). به بیانی دیگر، تفسیر افتراق شهری به واسطه عوامل اجتماعی و اقتصادی بدون توجه به عامل فضا، ساده‌انگاشتن این پدیده است؛ زیرا فرم فضایی به عنوان یک عامل مؤثر در شکل‌دهی الگوهای مختلف یکپارچگی و جدایی در شهر، مؤثر و غیرقابل چشم‌پوشی است (Charalambous, 2011) به نحوی که تقریباً تعریف و مفهوم‌سازی کلمه افتراق بدون توجه به وجه کالبدی و فضایی آن غیرممکن می‌باشد.

در مطالعه‌ای که ووگان و اربسی (۲۰۱۱) مشترکاً به انجام رسانده‌اند، به حدی اهمیت بُعد فضایی شاخص می‌شود که افتراق را پدیده‌ای ذاتاً پیچیده و اساساً فضایی معرفی می‌کنند (Vaughan and Arbacci, 2011)؛ مطالعات بسیار دیگری نیز به اثر ویژگی‌های کالبدی و فضایی محلات بر پیامدهای اجتماعی ساکنان آنها پرداخته‌اند که اهمیت فرم فضایی و کالبدی را به عنوان بعدی مهم نشان می‌دهند (Lupton, 2003: 5; Spicker, 2001; Vaughan and Arbacci, 2011; Geddes, 2009; Vaughan and Arbacci, 2011). در این مطالعات افتراق از منظر فضایی، ظهوری از ساختار اجتماعی-اقتصادی موجود و سازوکاری در جهت تأکید آن ساختار می‌باشد (Firman, 2004). در نتیجه توصیف و تحلیل شهر از منظر فضایی بر آگاهی یافتن از پیامدهای اجتماعی تولید شده توسط فرم فضایی -



تصویر شماره ۲: نمایی از افتراق شهری در سائوپائولو برزیل که تمایزات اجتماعی و اقتصادی را در هیئت فضایی به نمایش درمی‌آورد.

۷ در این زمینه بسیاری از پژوهشگران تأکید کرده‌اند که جدایی فضایی (Spatial Segregation) بازتاب و بیان کالبدی جدایی اجتماعی (Social Segregation) در داخل جامعه و نشان‌دهنده اختلاف در توزیع ثروت است؛ که بر اساس طبقه، جنسیت، سن، نژاد و دیگر ویژگی‌های فردی رخ می‌دهد.

- 1 Seven E. Olsson Hort
- 2 Franzen
- 3 Insider and Outsider
- 4 Include and Exclude
- 5 Duncan
- 6 Musterd

دلیل ارتباط بسیار تنگاتنگ شرایط فضایی و اجتماعی با هم - مؤثر خواهد بود (Pujol et al, 2011; Alvarado and Jimenez, 2012; Perez, 2006; Brenes et al, 2008).

در این رابطه، اولسن هرت نیز با وجود این که افتراق را قویاً به قطبی شدن اجتماعی مرتبط می‌داند - در روند تکامل نظریاتش - بر این نکته اذعان می‌کند که افتراق تنها به معنی مرزهایی میان گروه‌های مختلف نیست بلکه مرز میان مکان‌ها را نیز شامل می‌شود. فرانزن با بیان این جمله که «اگر مردم و فعالیت‌ها در انواع متفاوت وجود دارند، فضا می‌تواند نه تنها به بازتولید آن بلکه به شکل‌دهی ساختمان آنها نیز دلالت داشته باشد» (Franzen, 2009: 1)، افتراق را علاوه بر پدیده‌ای اجتماعی، پدیده‌ای فضایی نیز می‌داند. بنابراین می‌توان گفت، افتراق، پدیده‌ای توأمان فضایی و اجتماعی-اقتصادی است که نمودهایی در هر دو بعد دارد.^۱ با این حال مطالعات و تحقیقات اندکی از منظر فضایی و اجتماعی-اقتصادی به گونه‌ای توأمان به افتراق پرداخته‌اند و ارتباط این دو بعد به ندرت توسعه داده شده است (Legeby, 2010; Legeby & Marcus, 2011; Franzén, 2009). مطالعاتی نیز که سعی داشته‌اند تا افتراق را از منظر فضایی مورد بررسی قرار دهند، تنها به بررسی توزیع فضایی نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی پرداخته‌اند (Morgan, 1975; Sakoda, 1981; Jargowsky, 1996; Reardon and Firebaugh, 2002) و فضا را به عنوان عاملی مؤثر در شکل‌گیری و گسترش افتراق شهری مورد مطالعه قرار نداده‌اند.

۳.۳. افتراق اختیاری و اجباری^۲

افتراق شهری به واسطه وجود یا عدم وجود آزادی انتخاب برای جداسدن، می‌تواند به صورت اختیاری (داوطلبانه) یا اجباری اتفاق بیفتد (Leal, 2012: 96; Firman, 2004; Lieberman and Donna, 1982; Saltman, 2014). افتراق اختیاری در جایی که عوامل یا فشارهای خارجی در شکل‌گیری این پدیده تأثیر ندارند، رخ می‌دهد و آزادی در انتخاب، اساس جداسدن گروه‌ها و مکان‌هاست؛ در حالی که افتراق اجباری در اثر عوامل و فشارهای بیرونی اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال تبعیض قومیتی یا فقر، آزادی انتخاب را غیرممکن می‌سازد و در اثر چنین شرایطی به اجبار گروه‌ها و مکان‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند (Saltman, 2014).

از میان این دو گونه، در ابتدا تنها افتراق اجباری به عنوان مشکلی اجتماعی تلقی می‌شد و حالت اختیاری که بر مبنای آزادی واقعی در انتخاب ایجاد می‌شود - مشکل شناخته نمی‌شد. اما با برهم خوردن انسجام و یکپارچگی شهری و توزیع نامتعادل منابع، خدمات و فرصت‌ها در نتیجه افتراق اختیاری، این گونه نیز در دسته مشکلات شهری قرار گرفت (Saltman, 2014; Newman, 1974)؛ تا آنجا که «نایتینگل»^۲ - نویسنده مطلبی با عنوان «افتراق: تاریخ سراسری شهرهای تفکیک شده»^۳ - ضمن تمایز قائل شدن میان

۱ برای بررسی نمودهای اجتماعی و فضایی آن نیاز است تا این دو را برای لحظه‌ای از هم جدا ببینیم و اجتماعی را از فضایی و فضایی را از اجتماعی مجزا کنیم.

2 Voluntary and Involuntary Segregation

3 Nightingale

4 Segregation: A Global History of Divided Cities

افتراق اختیاری و اجباری، حالت اختیاری را مشکل‌زا معرفی می‌کند و معتقد است این نوع از افتراق اغلب از سوی اقلیت جامعه (یعنی دسته‌ها و گروه‌هایی که دسترسی بیشتری به قدرت دارند و از این رو حق انتخاب بیشتری در اختیارشان می‌باشد) صورت می‌گیرد (Nightingale, 2012). «گرین‌ستین و دیگران»^۴ (۲۰۰۰) معتقدند وجه داوطلبانه افتراق پدیده جدیدی است که به وسیله عامل تقاضا از سوی جامعه مانند امنیت و سبک زندگی و عامل عرضه مانند جهانی شدن^۵، در فرایند توسعه شکل گرفته است (Firman, 2004) و نمود عینی آن را تلویحاً می‌توان در قالب اجتماعات محصور در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته جست‌وجو کرد. البته شهرهایی که ثروت در آنها به صورت نابرابر توزیع شده است نیز شاهد شکل‌گیری اجتماعات محصور می‌باشند.^۶ در این نوع افتراق، ساکنان این عرصه‌ها داوطلبانه در چنین قلمروهای امنی زندگی می‌کنند و به صورت ۲۴ ساعته در هفت روز هفته توسط مرزهای کالبدی و نیروهای امنیتی محافظت می‌شوند (Gregory et al, 2009). «سوزان کریستوفرسون»^۷ ظهور توسعه‌های مسکونی دارای دروازه را به عنوان سریع‌ترین شیوه در حال رشد زندگی اجتماعی می‌داند و اظهار می‌دارد که این چنین «حصلت دژ مانند توسعه شهری و اداره متمرکز فضای شهری» به ویژگی‌های متمایز و جدید صحنه شهری بدل شده‌اند. این محله‌های مورد دفاع به تقسیمات خشک و بی‌روحي که در سراسر فضاهای شهری کشیده شده، شکل فیزیکی می‌دهد (Christopherson, 1994).

در مقابل، گونه دیگری از افتراق وجود دارد که تحت تأثیر عوامل بیرونی و به صورت اجباری رخ می‌دهد و طی آن گروهی از مردم به اجبار به عرصه مشخصی از شهر محدود می‌شوند (Leal, 2012: 96). افتراق اجباری در اثر رشد و توسعه نامتوازن شهرها، مهاجرت بی‌رویه و گسترش بی‌عدالتی پدیدار می‌شود؛ به طوری که توزیع و ترکیب متفاوت خدمات عمومی و امکانات طبیعی در مکان‌های مختلف شهر، تفاوت در میزان و نوع دسترسی و ارتباط بخش‌های مختلف شهر با هم، بر ارزش زمین و هزینه‌های رفت‌وآمد تأثیر قابل توجهی می‌گذارد و نابرابری‌هایی میان محلات، در دسترسی به منابع و تسهیلات شهری را ایجاد می‌کند. افتراق اجباری عمدتاً

5 Greenstein et al

6 (Globalization): مطالعات متعددی جهانی شدن را عاملی مؤثر در تشدید جدایی فضایی در شهرها معرفی کرده‌اند. برای مثال «ریبرو و تیلس» (۲۰۰۰) نشان دادند تغییرات اقتصادی-اجتماعی متأثر از ادغام در جریان اقتصاد جهانی به تقویت دوگانگی فضایی در شهر ریودوژانیرو کمک کرده است.

7 افتراق در ساختار شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است و ارتباط مستقیمی با درآمد افراد دارد؛ چنانچه به موجب آن افرادی که دارای درآمد مناسب باشند از مکان‌های مناسب برای زندگی برخوردار می‌شوند. این برخورداری تنها محدود به مسکن مناسب نمی‌باشد و ویژگی‌ها و مشخصه‌های مکانی چون خدمات رفاهی، آسایش بالا، دسترسی مناسب و غیره را نیز شامل می‌شود. اگرچه در فرایند توسعه پایدار باید تلاش شود تا ضمن جلوگیری از افتراق شهری، امکان بهره‌برداری همگانی از کالبد و فضای مطلوب در ساختار شهری را فراهم کرد.

8 Susan Christopherson

به شکل اسکان گروه‌های محروم در نواحی محروم رخ می‌نماید (Jargowsky, 2002: 13; Kovacs, 1999: 1).

به هر سو آنچه که مشخص است، افتراق اختیاری (داوطلبانه) بنا به منافی از سوی گروهی خاص انتخاب شده است، درحالی که افتراق اجباری به واسطه برخی اقدامات، تصمیمات و شرایط به گروه یا گروه‌هایی تحمیل می‌شود. در هر دو حالت، عامل اجتماعی-اقتصادی در شکل‌گیری افتراق نقش مهمی ایفا می‌کند. با این تفاوت که در افتراق اختیاری، شرایط اجتماعی-اقتصادی به نحوی است که گروه، قدرت انتخاب دارد و بر اساس تقاضا، شرایط و مکانی را برای سکونت انتخاب می‌کند و یا به وجود می‌آورد. اما در افتراق اجباری، اجتماع، قدرت انتخاب نداشته و شرایط به آنها تحمیل می‌شود. به بیانی دیگر، عوامل بیرونی شامل شرایط حاکم در جامعه و شهر مانند تبعیض، عدم مساوات، قوانین سرمایه‌داری، برنامه‌ریزی‌های مدیریتی، مداخلات کالبدی در شهرها و غیره، جدا بودن گروهی را از سایر جامعه یادآور می‌شود و آنها را مجبور به جدا شدن می‌کند. افتراق با چنین تعریفی که «افرادی با مشخصات خاص داوطلبانه یا اجباری از فضاهای بقیه جامعه کنار می‌روند» (Alaily-Mattar, 2010; Nightingale, 2012; Vaughan and Arbacci, 2011)، با طرد و کناره‌گیری اجتماعی رابطه‌ای علی پیدا می‌کند. افتراق افراد را کناره‌گیر و مطرود می‌کند و میزان تماس فضایی و تعامل اجتماعی‌شان را با جامعه کاهش می‌دهد (Alaily, 1998: 97-98). لازم به توجه است که در افتراق داوطلبانه، شرایط متناسب به اجتماع جدا شده، بر پیدایش پدیده مقدم بوده ولی در افتراق اجباری معمولاً شرایط بیرونی اجتماع محروم، نقش اساسی را در شکل‌گیری و ظهور افتراق ایفا می‌کند.

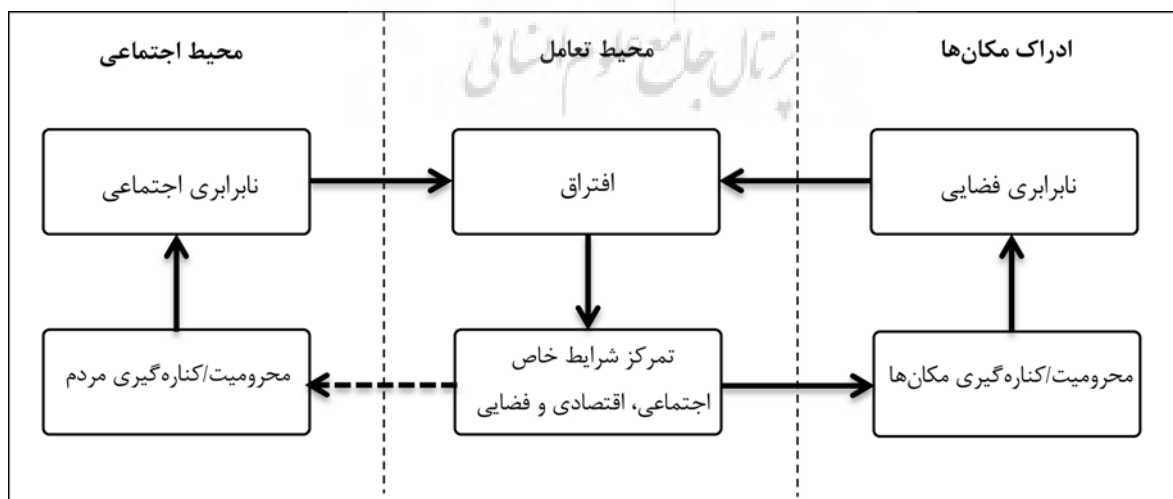
افتراق در هر یک از حالت‌های اختیاری و یا اجباری که رخ دهد، منجر به تمرکز گروه‌های مختلف اجتماعی در محدوده‌های خاصی از شهر می‌شود. به این ترتیب جدایی فیزیکی میان گروه‌ها در جامعه، نشانه‌ای از فاصله اجتماعی میان گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف به شمار می‌رود (Legeby, 2013; SOU, 1997).

۴. تدقیق مفهومی و طراحی مدل جامع‌نگر در مطالعه پدیده افتراق شهری

برای فهم درستی از مفهوم افتراق شهری باید فرایند و ابعاد مؤثر بر شکل‌گیری آن به صورت جامع درک شود. در نگاهی جامع، افتراق (اجباری یا اختیاری) از تعامل میان اشکال (تمایزات) فضایی و اجتماعی-اقتصادی، تمرکزی از مشخصه‌های خاص اجتماعی، اقتصادی و فضایی را منجر می‌شود (نمودار شماره ۱) و در غالب دو نمود متفاوت یکی نواحی محروم و دیگری اجتماعات محصور به عنوان معرف‌های عینی تقسیم جوامع به اجتماعاتی بر پایه طبقه، درآمد، جنسیت، تحصیلات، زبان، قومیت، نژاد، مذهب، سن، زادگاه و ناتوانی، دسترسی به امکانات و تسهیلات و غیره ظاهر می‌شود؛ با این تفاوت که نواحی محروم تمرکز همگنی از فقر و ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و کالبدی خاص و در اجتماعات محصور تمرکز همگنی از ثروت به همراه ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و کالبدی خاص وجود دارد.

تمرکز فقر و محرومیت در نواحی محروم و تمرکز ثروت و برخورداری در اجتماعات محصور باعث تشدید نابرابری اجتماعی به سبب تقویت فاصله‌های اجتماعی مردم ساکن می‌شود. تشدید نابرابری‌ها تغییراتی را نیز در کیفیت‌هایی از محلات و مکان‌های زندگی باعث می‌شود که به مرور زمان افزایش تمایزات فضایی در شهرها و تشدید افتراق را به دنبال دارد.

بر این اساس افتراق شهری بازتاب دهنده و باز تولیدکننده نابرابری‌های اجتماعی-فضایی در شهر است (Vaughan and Arbacci, 2011) که بررسی جامع آن نیازمند توجه توأمان به شرایط اجتماعی-اقتصادی عرصه‌های سکونتگاهی و شرایط فضایی آنها در شهر است. نمودار شماره ۲ مدلی است که از یک محور افقی، معرف شرایط اجتماعی-اقتصادی و یک محور عمودی که معرف شرایط فضایی و ویژگی‌های پیکربندی عرصه‌های سکونتگاهی می‌باشد، تشکیل شده است. این مدل از طریق تقاطع طیفی دو بعد مؤثر و تعریف کننده افتراق شهری، امکان تعیین و توصیف جایگاه عرصه‌های مختلف شهر را از منظر ابعاد مؤثر بر این پدیده



نمودار شماره ۱: مدل ارتباط میان افتراق و نابرابری فضایی-اجتماعی

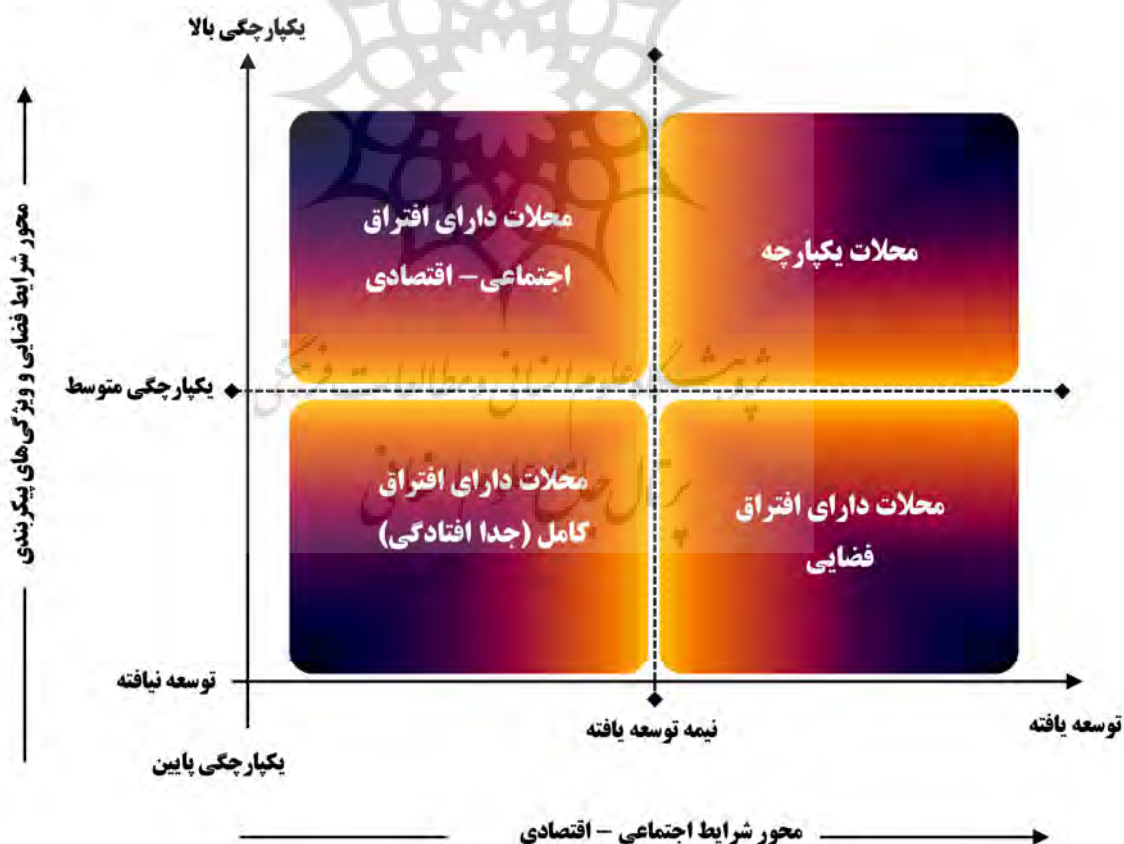
به گونه توأمان فراهم می‌آورد.

مدل جامع‌نگر پدیده افتراق شهری از چهار بخش مشتمل بر محدوده دارای ویژگی افتراق فضایی، محدوده دارای ویژگی جداافتادگی (افتراق کامل)، محدوده دارای افتراق اجتماعی-اقتصادی و محدوده فاقد جدایی اجتماعی-فضایی (یا محدوده‌های یکپارچه) تشکیل شده است که هر یک از این بخش‌ها شرایط اجتماعی-اقتصادی و فضایی متفاوتی را نشان می‌دهند.

زمانی‌که عرصه‌ای از شهر از نظر فضایی، یکپارچگی کم و از نظر اجتماعی-اقتصادی شرایطی توسعه نیافته داشته باشد، دچار افتراق کامل یا جداافتادگی می‌باشد. علت استفاده از واژه جداافتادگی به عنوان برچسب این بخش از مدل، تأکید بر موضوع اجباری بودن افتراق عرصه‌های سکونتگاهی واقع در این بخش است. علاوه بر این، واژه جداافتادگی بر تحمیلی بودن شرایط فضایی و اجتماعی-اقتصادی دلالت و رسانایی بیشتری دارد. نمود عینی این بخش از مدل را می‌توان نواحی محروم معرفی کرد. در حالتی‌که عرصه‌هایی در شهر از نظر فضایی یکپارچگی کم و از نظر اجتماعی-اقتصادی در شرایط توسعه یافته قرار داشته باشند، افتراق فضایی حادث شده است. این بخش بیشتر از این که به عوامل فضایی - به عنوان عامل مؤثر در پیدایش پدیده - اشاره

داشته باشد، به عوامل اجتماعی-اقتصادی به عنوان مؤلفه مؤثر در ایجاد و شکل‌گیری پدیده افتراق تأکید می‌کند. نمود عینی این نوع افتراق در شهر اجتماعات محصور می‌باشند؛ اجتماعاتی که دسترسی بیشتری به قدرت دارند و از این رو حق انتخاب بیشتری نیز در اختیارشان می‌باشد. البته این به معنای بی‌اثر بودن عوامل بیرونی در پیدایش افتراق فضایی نمی‌باشد. بنابراین علاوه بر شرایط درونی اجتماع مورد بحث، عواملی چون اقدامات قانونی نیز در تهیج این پدیده مؤثر می‌باشد. اما در ایران عرصه‌هایی که در این بخش قرار می‌گیرند را به قطع نمی‌توان جزو اجتماعات محصور دسته‌بندی کرد، چرا که این پدیده در شهرهای ایران - به جز چند مورد در کلانشهرهای بزرگ - هنوز با مرزهای واقعی و فضاهای دروازه‌دار بروز نکرده و پدیده‌ای نوظهور است.

علاوه بر حالت‌های فوق، دو حالت دیگر نیز در نتیجه شرایط متفاوت ابعاد مؤثر و سازنده پدیده افتراق به وجود می‌آید. یکی زمانی‌که در عرصه‌ای از شهر هر دو بعد (شرایط اجتماعی-اقتصادی و شرایط فضایی) از شرایط مطلوب برخوردار باشند، یعنی عرصه از نظر اجتماعی-اقتصادی توسعه یافته و از نظر فضایی نیز از یکپارچگی مناسبی نسبت به بافت پیرامونی و کل شهر برخوردار باشد؛ که این حالت به عرصه‌های مطلوب، متوازن و یکپارچه شهری اختصاص دارد و نشان دهنده عدم وجود افتراق شهری در



هر چقدر از رنگ تیره به سمت رنگ روشن حرکت می‌شود، از میزان مشخصه متناسب شده به محدوده گاسته می‌شود.

نمودار شماره ۲: مدل مفهومی جامع‌نگر در مطالعه پدیده افتراق شهری با استفاده از تقاطع طیفی عوامل مؤثر بر پدیده (شرایط فضایی و شرایط اجتماعی-اقتصادی)

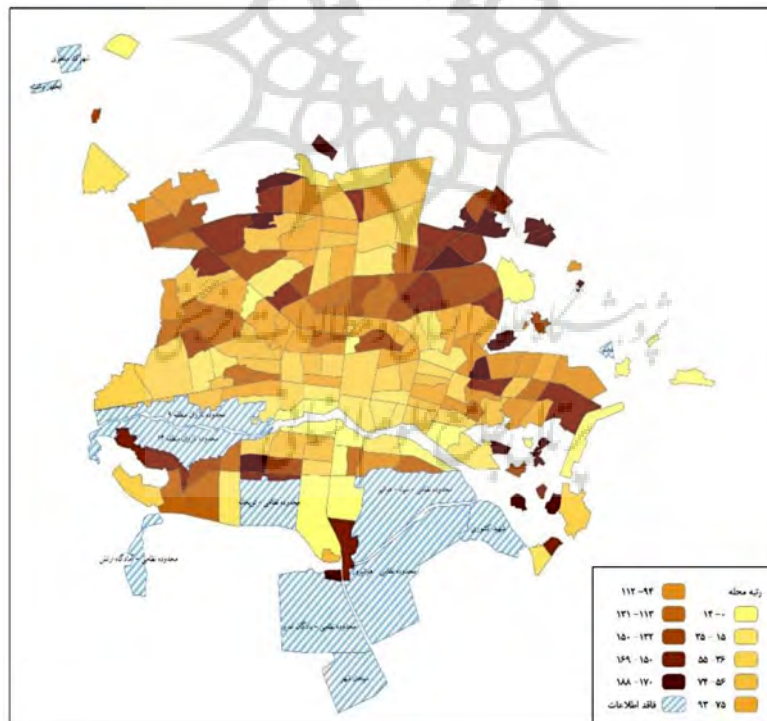
آنجاست. حالت دیگر نیز مربوط به عرصه‌هایی است که با وجود این که از نظر فضایی از یکپارچگی مناسب و بالایی برخوردارند اما از نظر اجتماعی-اقتصادی در شرایط مطلوبی قرار نداشته و توسعه نیافته محسوب می‌شوند. این گونه عرصه‌ها نیز جزو عرصه‌های محروم تلقی می‌شوند که در آنها نابرابری و محرومیت نسبت به شهر وجود دارد و شرایط حاکم بر این عرصه‌ها از یکپارچگی شان با جامعه شهری جلوگیری می‌کند. این حالت مربوط به عرصه‌ها و اجتماعاتی است که دچار طرد اجتماعی شده‌اند و از آنجایی که افتراق اجباری با طرد رابطه دارد، آنها به عنوان عرصه‌های دارای افتراق اجتماعی-اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند. با توجه به تعامل دیالکتیکی فضا و شرایط اجتماعی-اقتصادی چنانچه محرومیت اجتماعی-اقتصادی در این عرصه‌ها مرتفع نگردد، به مرور زمان بر فرم و پیکربندی فضایی نیز اثر کرده و به جدافتادگی (افتراق کامل) منجر خواهد شد.

۵. آزمون مدل

در خط سیر توسعه نظریه مرحله آخر که امکان سنجش و کنترل سودمندی تبیینی نظریه و مدل پیشنهادی را فراهم می‌کند، آزمون است. بر همین اساس در این مرحله، مدل جامع‌نگر در شرایط واقعی آزمون شده است تا کارآمدی آن مورد ارزیابی قرار گیرد. محلات شهر اصفهان به عنوان بستر آزمون در سه گام بررسی

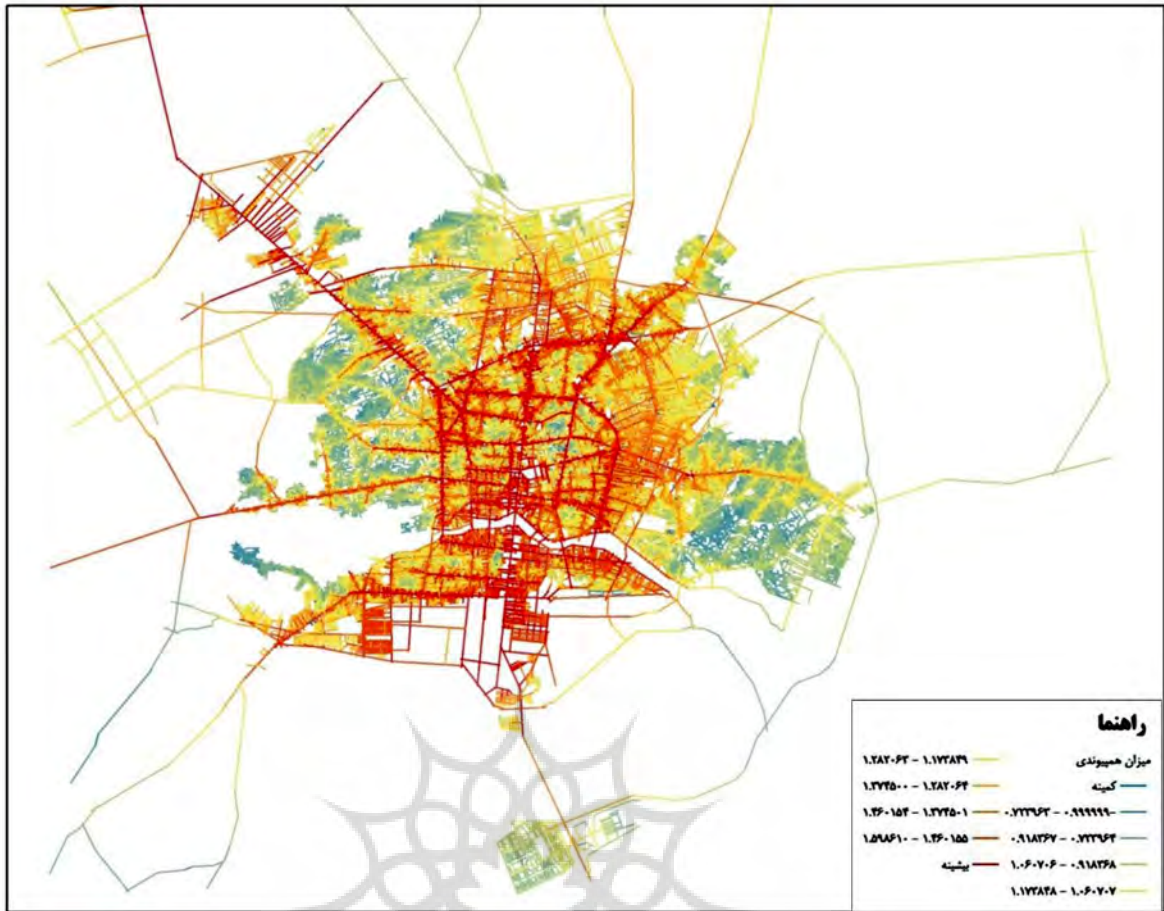
و تحلیل شده‌اند. برای این منظور ابتدا به صورت مستقل هر یک از ابعاد اجتماعی-اقتصادی و فضایی براساس شاخص‌های معرف سنجش شدند، سپس نتایج به دست آمده از تحلیل هر یک از ابعاد، وارد مدل شد تا موقعیت محلات در مدل شناسایی شود. بنابراین در گام نخست شرایط اجتماعی-اقتصادی محلات شهر اصفهان از نظر سطح توسعه‌یافتگی آنها با روش تاپسیس بررسی و جایگاه و ارزش هر یک از محلات تعیین شد (نقشه شماره ۱).^۱ در گام دوم تحلیل ساختار فضایی شهر اصفهان با استفاده از روش چیدمان فضا انجام شد (نقشه شماره ۲) و متوسط ارزش همپیوندی کلیه خطوطی که در هر محله قرار دارند، به آن محله نسبت داده شد تا ارزش همپیوندی هر محله مشخص شود (نقشه شماره ۳).

در بخش سوم، نتایج به دست آمده از تحلیل توسعه‌یافتگی (نماینده شرایط اجتماعی-اقتصادی) و ارزش همپیوندی (معرف شرایط فضایی) هر محله، وارد مدل شد و از تلفیق آنها با یکدیگر جایگاه هر محله در بخش‌های چهارگانه مدل تعیین گردید (تصویر شماره ۳). بررسی نتایج به دست آمده از مدل نشان می‌دهد که محلات واقع در جنوب جغرافیایی شهر و محدوده‌های پیرامونی رودخانه (مجاورت زاینده‌رود)، در رعب نخست مدل قرار گرفته‌اند. یعنی محلات این محدوده‌ها جزو محلات یکپارچه و فاقد افتراق دسته‌بندی شده‌اند که در واقعیت نیز همین‌گونه است و محلات

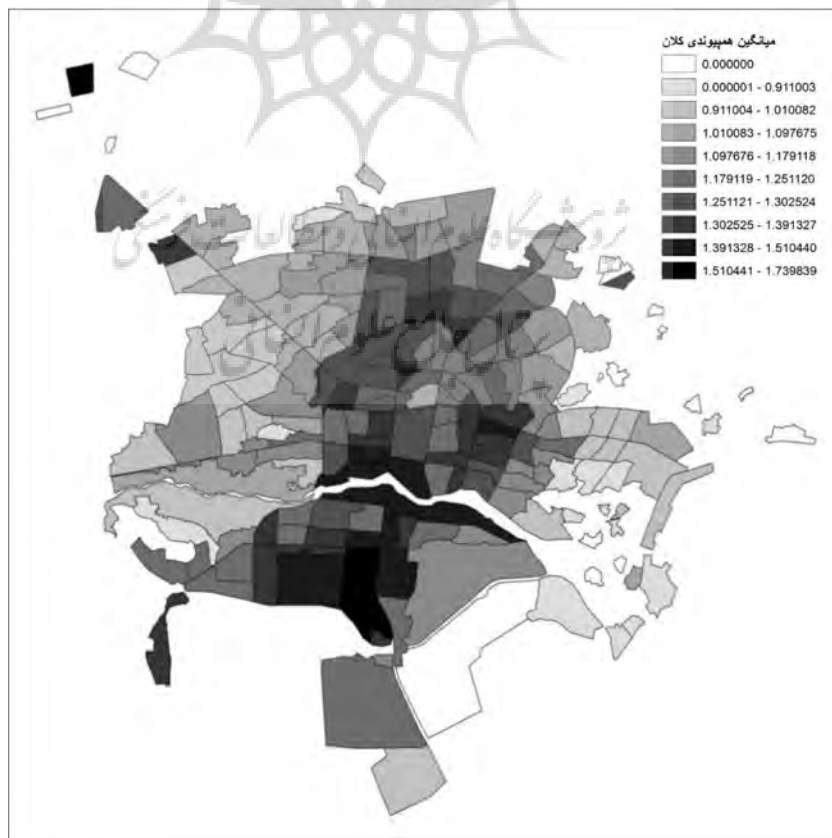


نقشه شماره ۱: رتبه‌بندی محلات شهر اصفهان

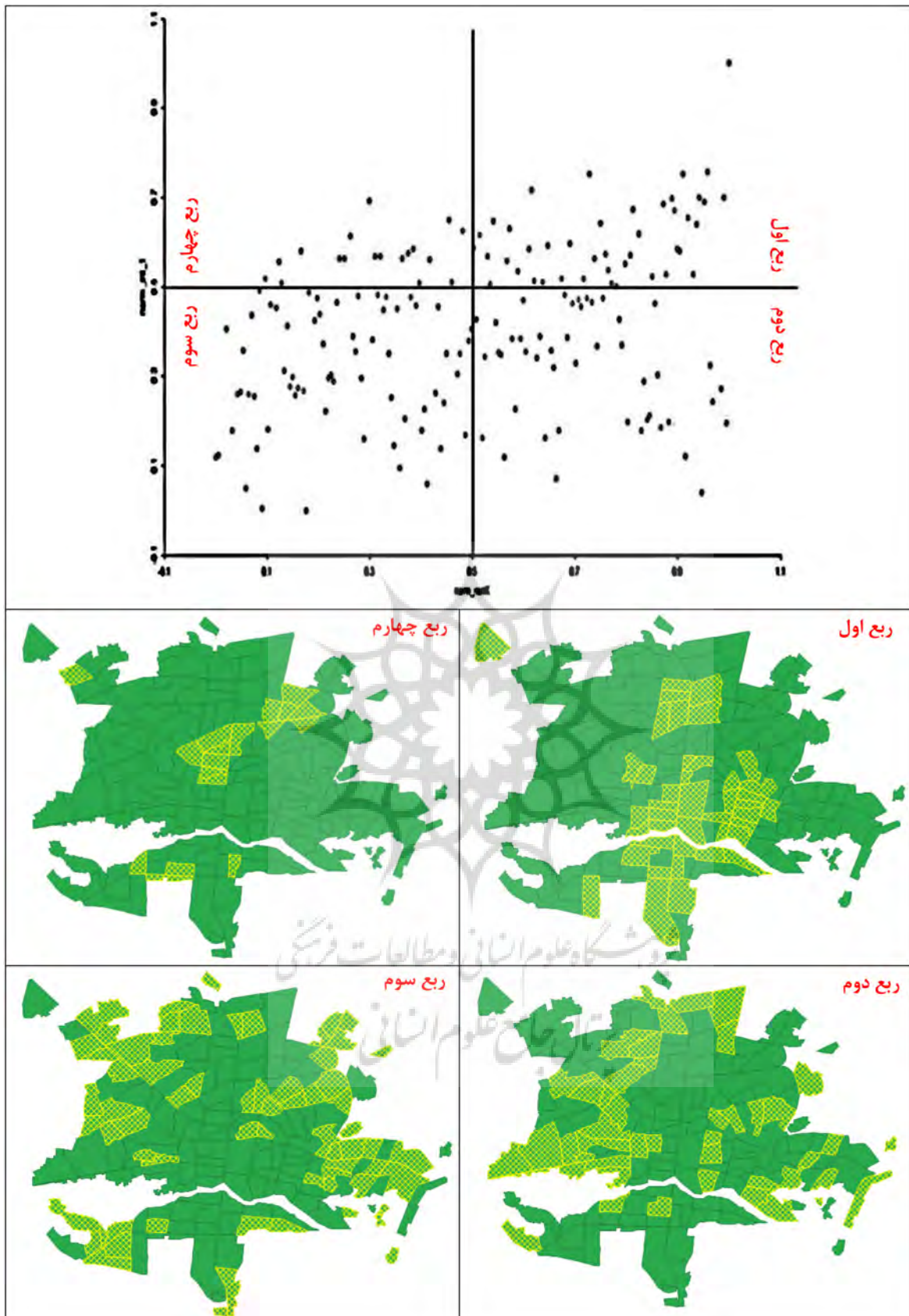
۱ سطح توسعه‌یافتگی ۱۸۸ محله شهر اصفهان براساس ۳۵ شاخص در سه دسته اجتماعی، اقتصادی، رفاهی-کالبدی براساس روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (با استفاده از روش ترکیبی تحلیل عاملی و دلفی برای وزن دهی شاخص‌ها و روش تاپسیس برای رتبه‌بندی محلات) انجام شده است.



نقشه شماره ۲: ارزش همبوندی کلان (Rn) در شهراصفهان



نقشه شماره ۳: تغییرات ارزش همبوندی کلان در سطح محلات شهراصفهان



تصویر شماره ۳: خروجی مدل جامع‌نگر در مطالعه پدیده افتراق شهری اصفهان و تعیین جایگاه محلات شهر در بخش‌های چهارگانه مدل

محلات واقع در این ربع می‌باشند. هر چه از این محدوده فاصله گرفته می‌شود، محلات با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فضایی خود در بخش‌های دوم، سوم و چهارم مدل قرار می‌گیرند.

مطلوب شهر اصفهان از لحاظ مکانی در همین پهنه مستقر هستند. محلات ملک، محدوده دانشگاه اصفهان، باغ نگار (آئینه‌خانه)، آبشار، سعادت‌آباد، هزار جریب، برازنده، شیخ اشراق، از جمله

References:

- Alaily-Mattar, N. (2010). Segregation for aggregation? The pattern and logic of spatial segregation practices of young affluent heads of households in the post-war city of Beirut. (Doctoral thesis, University College London, London, UK). Retrieved from <http://discovery.ucl.ac.uk/192818/>.
- Alvarado, A., & Jimenez, G. (2012). Gated communities in Costa Rica: a new object of study. In *Social Science Journal*(137): <http://www.revistas.ucr.ac.cr/index.php/sociales/article/view/8404>.
- Bell, W. (1954). A probability model for the measurement of ecological segregation. *Social Forces*: 357-364.
- Brenes, M., Masis, K., Paniagua, L., and Sandoval, C. (2008). La Carpio: urban segregation, insecurity and social stigmatization in a binational community in Costa Rica. *Iberoamericana*(8)32: 119-135.
- Charalambous, Nadia. (2011). Understanding segregation: the relationship between urban form and social exclusion.
- Christopherson, Susan. (1994). The fortress city: privatized spaces, consumer citizenship. *Post-fordism: A reader*: 409-427.
- Duncan, O. D., & Duncan, B. (1955). A methodological analysis of segregation indices. *American Sociological Review*(20): 210-217.
- Firman, T. (2004). New town development in Jakarta Metropolitan Region: a perspective of spatial segregation. *Habitat International* (28), 349-368.
- Feitosa, F. F. Camara, G. Monteiro, A. M. V. Koschitzki, T. and M. P. S. Silva. (2007). Global and local spatial indices of urban segregation. *International Journal of Geographical Information Science* 21(3): 299-323.
- Franzen, M. (2001). The problem of segregation: an unfair comparison. In *The divided city*, edited by Lena Magnusson, 23-47.
- Franzn, Mats. (2009). Matters of Urban Segregation. In *Proceedings to the 7th International Space Syntax Symposium*, edited by Daniel Koch, Lars Marcus, Jesper Steen, Stockholm: KTH.

نکته قابل توجه این است که بیشتر محلاتی که دارای بافت‌های فرسوده و ناکارآمد می‌باشند، در ربع سوم مدل که معرف محلات دارای افتراق کامل (جدافتادگی) است، واقع شده‌اند؛ محلاتی چون علیقلی‌آقا، زینیه، وحید، همت‌آباد، مارچین، جویبار، کوجان، بابوکان، شهشهان، اطشاران، قائمیه، حصه جنوبی و غیره، این نکته نیز با توجه به شرایط محلات محروم نشان از توان توصیفی مدل دارد.

۶. نتیجه‌گیری

افتراق شهری امروزه در بیشتر شهرها موضوع درخور توجهی است و به عنوان بازتاب دهنده و بازتولیدکننده نابرابری‌های اجتماعی در شهر شناخته می‌شود. با واکاوی معنا و مفهوم این پدیده، مشخص گردید این پدیده با وجود این که به طور ابتدایی به عنوان مسئله‌ای اجتماعی شناخته می‌شود، به دلیل حمل معانی فضایی نهفته، اساساً پدیده‌ای فضایی و اجتماعی-اقتصادی است، که بعد فضایی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته و نگرش به این پدیده و مواجهه با آن تاکنون به صورت جامع انجام نشده است. علاوه بر این پدیده افتراق مشتمل بر دو گونه اختیاری و اجباری بر شمرده می‌شود که اجتماعات محصور و نواحی محروم نموده‌های فضایی آنها هستند؛ به طوری که اجتماعات محصور نماینده مشهود افتراق اختیاری و نواحی محروم به عنوان پیامد و مظهر افتراق اجباری دانسته می‌شوند. در این مقاله افتراق، مسئله‌ای تعریف می‌شود که باید به عنوان تعاملی میان تمایزات فضایی و اجتماعی-اقتصادی به گونه شهرنگر در نظر گرفته شود و از برهم کنش و بررسی توأمان شرایط فضایی و اجتماعی-اقتصادی محدوده‌های زیستی، شرایط و الگوی این پدیده شناسایی و تعیین شوند. با پیروی از این رویکرد و با توجه به سهم و مشخصه هر یک از ابعاد افتراق، مدل جامع‌نگری برای مطالعه پدیده افتراق طراحی شد. این مدل از چهار بخش مشتمل بر بخش معرف و ویژگی افتراق فضایی، محدوده دارای ویژگی جدافتادگی (افتراق کامل)، محدوده دارای افتراق اجتماعی-اقتصادی و محدوده فاقد جدایی اجتماعی-فضایی (یا محدوده‌های یکپارچه) تشکیل شده است که هر یک از این بخش‌ها شرایط اجتماعی-اقتصادی و فضایی متفاوتی را نشان می‌دهند. آزمون مدل در نمونه موردی - محلات شهر اصفهان - حاکی از انطباق بالای آن با شرایط واقعی می‌باشد. در نتیجه به عنوان ابزاری برای شناخت و مطالعه شرایط موجود، پدیده افتراق از قابلیت اجرایی برخوردار است. البته این مدل به گونه‌ای طراحی شده است که تنها جایگاه عرصه‌های مختلف سکونتگاهی به واسطه شرایط آنها در هر یک از ابعاد پدیده افتراق شهری تعیین می‌شود. اما به دلیل این که با تغییر هر یک از ابعاد شکل دهنده افتراق، تغییراتی در وضعیت کل پدیده ایجاد می‌شود، در شناسایی و تعریف اولویت اقدام کاربرد خواهد داشت. باید توجه داشت که قصد این مقاله اولویت قائل شدن برای شکل‌های فضایی یا مناسبات اجتماعی-اقتصادی در بررسی پدیده افتراق شهری نبوده و تنها توجه همزمان به ابعاد سازنده پدیده مورد تأکید بوده تا از این طریق روایت جامع‌تری از شرایط جدایی و شکاف در شهر ترسیم شود.

- Morrill, R.L. (1991). On the measure of spatial segregation. *Geography Research Forum*(11): 25–36.
- Morgan, B.S. (1975). The segregation of socioeconomic groups in urban areas: A comparative analysis. *Urban Studies*(12): 47–60.
- Morgan, B.S. (1983). A temporal perspective on the properties of the index of dissimilarity. *Environment and Planning A*(15): 379–389.
- Newman, W. (1974). *American Pluralism*. New York: Harper and Row.
- Nightingale, C. H. (2012). *Segregation, A GLOBAL HISTORY OF DIVIDED CITIES*. University of Chicago Press.
- Perez, M. (2006). The perverse impacts on socio-spatial segregation in the city of San Jose. In A.-M. Seguin (Ed.), *The socio-spatial segregation on Urban: A look at Puebla, Puerto Espana, San Jose and San Salvador*. San Jose: FLACSO. With collaboration from Editor Paula Negron.
- Pujol, R., Sanchez, L., and Perez, E. (2011). The social segregation as a determinant of urban development. gated communities and self-segregation in the cities of San Jose and Heredia, Costa Rica. *economic Sciences*(29)1: <http://revistas.ucr.ac.cr/index.php/economicas/article/view/7052>.
- Reardon, S. and O'Sullivan, D. (2004). Measures of spatial segregation. *Sociological Methodology*(34): 121–162.
- Reardon, S.F. and Firebaugh, G. (2002). Measures of multigroup segregation. *Sociological Methodology*(32): 33–67.
- Ruiz-Rivera, N, Suarez, M, and Delgado-Campos, J (2016). Urban segregation and local retail environments. Evidence from Mexico City. *Habitat International* (54): 58–64.
- Sakoda, J. (1981). A generalized index of dissimilarity. *Demography*(18): 245–250.
- Saltman, J.(2014). Three Strategies for Reducing Involuntary Segregation. *The Journal of Sociology & Social Welfare*(4): 5: 806–821.
- Smets, P, and Salman, T (2016). The multi-layeredness of urban segregation On the simultaneous
- Gregory, D. et al. (2009). *The Dictionary of Human Geography*. 5th ed. Oxford: Wiley-Blackwell, Print.
- Johnston, R., Poulsen, M., & Forrest, T. (2014). Segregation matters, measurement matters. In C. D. Lloyd, I. G. Shuttleworth, & D. W. S. Wong (Eds.), *Social-spatial segregation. Concepts, processes and outcomes*. Bristol: Policy Press.
- Jargowsky, P.A (1996). Take the money and run: Economic segregation in U.S. metropolitan areas. *American Journal of Sociology*(61): 984–999.
- Jargowsky, P. A. (2002). Sprawl, concentration of poverty, and urban inequality. *Urban sprawl: Causes, consequences, and policy responses*: 39–72.
- Jakubs, J.F. (1981). A distance-based segregation index. *Journal of Socio-Economic Planning Sciences*(61): 129–136.
- Kovacs, Z. (1999). Cities from state-socialism to global capitalism: an introduction. *GeoJournal*, 49(1): 1–6.
- Leal, J. (2012). Residential Segregation. *International Encyclopedia of Housing and Home*. Pp: 94–99.
- Legeby, A.(2010). Urban segregation and urban form: From residential segregation to segregation in public space. Licentiate Thesis, KTH School of Architecture. Stockholm: KTH.
- Legeby, A. (2013). Patterns of co-presence, Spatial configuration and social segregation. Sweden: School of Architecture Royal Institute of Technology. PhD Dissertation.
- Legeby, A., and Marcus, L.(2011). Does Urban Structure of Swedish Cities Inhibit the Sharing of Public Space?. *Built Environment*, (37)2: 155–169.
- Lieberman, S., and Donna K. C.(1982). A Model For Inferring The Voluntary and Involuntary Causes Of Residential Segregation. *Demography*(19)4: 511–526.
- Lupton, R. (2003). Neighbourhood Effects: Can We Measure Them and Does It Matter? CASE paper 73. Centre for Analysis of Social Exclusion, London School of Economics and Political Science.

inclusion and exclusion in Latin American cities. *Habitat International* (54): 80-87.

- Smith, Ch. L. (2009). Economic deprivation and racial segregation: Comparing Superfund sites in Portland, Oregon and Detroit, Michigan. *Social Science Research* (38): 681-692.
- SOU . (1997). Three cities: background report from the City Committee. Stockholm: Fritzes.
- UNCHS (United Nations Centre for Human Settlements) (2003). *The State of the World Cities Report 2001*, Nairobi. vanKempen, R., & Ozuckren, A. S. (1998). Ethnic segregation in cities: New forms and explanations in a dynamic world. *Urban Studies*(35)10, 1631-1656.
- Vaughan, L. and Arbaci, s. (2011). The challenges of Understanding Urban Segregation. *Built Environment* 37(2): 128-138.
- Vaughan, L., & Geddes, I. (2009). Urban form and deprivation: A contemporary proxy for Charles Booth's analysis of poverty. *Radical Statistics*(99).
- Van Kempen, Ronald, and Marcuse, Peter .(1997), *A New Spatial Order in Cities?*, *American Behavioral Scientist*, 41 (3): 285-98.
- Wong, D.W.S. (1993). Spatial indices of segregation. *Urban Studies*(30): 559-572.
- Wong, D.W.S. (1998). Measuring multiethnic spatial segregation. *Urban Geography*(19): 77-87.
- Wong, D.W.S. (2005). Formulating a general spatial segregation measure. *The Professional Geographer*(57): 285-294.
- White, M.J. (1983). The measurement of spatial segregation. *American Journal of Sociology*(88): 1008-1018.
- Site: <https://www.khanacademy.org/test-prep/mcat/social-inequality/social-class/v/social-exclusion-segregation-and-social-isolation>.